

صحيفة الحسن عليه السلام

[26] پس از این نامه معاویه نامه تهدید آمیزی به امام نوشت و او را از مخالفت با

خود برحذر داشت و در برابر به امام وعده داد که اگر خلافت معاویه را بپذیرد پس از او مقام خلافت به امام واگذار شود، ولی امام به تهدیدهای او اعتنائی نکرد و در پاسخ بد درست اندیشی و پافشاری در جنگ پرداخت. این آخرین نامه ای بود که بین امام و معاویه مبادله شد و پس از آن معاویه دانست که نیرنگهایش اثری نخواهد داشت و اشتباهکاریهای سیاسی او سودی نخواهد بخشید، و دانست که امام آماده جنگ است و ناگزیر او هم برای جنگ مهیا شد و به تهیه وسائل نبرد پرداخت. اعلام جنگ در مباحث گذشته دانستیم معاویه می خواست با نیرنگهایش امام را از صحنه خارج سازد، ولی پس از عدم موفقیت در آن راهها دانست بهترین راه برای حصول آرزوهای طلائى اش اعلان جنگ است، که اگر این اقدام را صورت ندهد فرصتی برایش باقی نمی ماند، ضمن آنکه اموری چند او را بر این کار وادار کرد: 1 - او پیوندی محکم با بزرگان عراق و سرداران سپاه اسلام و رؤسای قبائل برقرار کرد بود، و دین و دل آنان را با پول اندکی خرید و به وعده های فراوان و پوشالی امیدوارشان ساخت، و آنان نیز در نهان به او قول همکاری با او و نیز خیانت به امام را داده بودند، و دلیل این جریان بخشنامه هائی است که معاویه به کارگزاران خود نوشت و آنان را به
